

روابط ایران و افغانستان (با تأکید بر مراودات تجاری)

علی اسماعیلی خوش مردان^۱

چکیده

در روابط بین‌الملل، کشورهای همسایه جزو عمق استراتژیک محسوب می‌گردند به طوری که هر تغییر و تحولی در کشور همسایه به علت یکسری اشتراکات و نزدیکی جغرافیایی، تأثیرات دومینویی بر همسایگان و حتی منطقه دارد. ایران پس از چین و روسیه بیشترین تعداد همسایه را در جهان به خود اختصاص داده است. وجود مرزهای طولانی هرچند می‌تواند به عنوان فرصت تلقی گردد، اما مشکلاتی نیز در پی دارد. در میان همسایگان ایران، کشور افغانستان در طول چند دهه گذشته دچار تحولات گسترده‌ای شده است که تأثیرات آن تحولات، کشور را بسیار متأثر ساخته است. به طوری که چالش‌هایی از قبیل: قاچاق، هیدروپلیتیک، حضور کمرنگ رایزن‌ها و بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی دو کشور، مهاجران غیرقانونی و افراط‌گرایی دینی به همراه بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان، همواره به عنوان موانع جدی بر سر راه توسعه روابط بین ایران و افغانستان قلمداد شده است. به منظور رفع چالش‌های مذکور در آینده نزدیک، راهکارهایی مانند: اتخاذ رویکرد محتاطانه نسبت به طالبان در مراودات آتی، رفع تهدیدات امنیتی ریشه‌دار با به‌کارگیری رویکرد امنیت مشارکتی، صدور روایید فصلی برای بهره‌گیری هدفمند از مهاجران افغانی و اعمال مرزهای نرم، تأکید بر طراحی و اجرای پروژه‌های استراتژیک توسط ایران در افغانستان و بهره‌گیری از فعالان بخش خصوصی در پیشبرد مراودات بین دو کشور می‌تواند کمک شایانی به بهبود و ارتقای سطح همکاری دو کشور نماید.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، امنیت، تجارت، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک.

مقدمه

اقتصادی کشور برخوردار است. در حال حاضر ایران بزرگ‌ترین شریک تجاری افغانستان است و این کشور علاقه‌مند به افزایش حجم تجارت خود با ایران و هند از طریق بندر چابهار است؛ اما اعمال تحریم‌های مجدد آمریکا علیه ایران و تحولات سیاسی اخیر افغانستان، چشم‌انداز روابط اقتصادی این دو کشور را تا حدودی پیچیده کرده است. با این حال ظرفیت‌های زیادی در مناسبات ایران و

در حال حاضر، استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه می‌تواند یکی از مسائل با اهمیت در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط فشار تحریم باشد. در میان کشورهای همسایه، افغانستان علاوه بر ویژگی هم‌مرز بودن، به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاص خود از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی



نوسان داشته است. درآمد دولت نیز از سال ۲۰۱۴ به این سو به طور مداوم افزایش یافته ولی چالش‌های آن در بهبود فضای کسب و کار و اصلاح نظام مالیه عمومی با توجه به فساد موجود در ساختار اقتصادی این کشور، همچنان به قوت خود باقی است. البته طی ۲۰ سال گذشته اقدام‌های توسعه‌ای قابل توجهی در افزایش دسترسی به آب سالم، خدمات بهداشتی، برق و آموزش انجام شده ولی نابرابری موجود در توزیع این خدمات در سطح ملی، احساس عمومی متفاوتی را نسبت به افزایش دسترسی به خدمات عمومی و بهبود زیرساخت‌ها ایجاد کرده است (یورونیوز، ۲۰۲۰).

در ضمن، شیوع و همه‌گیری ویروس کرونا نیز اقتصاد افغانستان را به دلیل تأثیرات منفی این بیماری بر مصرف و صادرات، تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که بنا بر ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین میزان در ۱۷ سال گذشته رسیده است. شایان ذکر است در حالی که متوسط نرخ رشد اقتصادی افغانستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ بیش از ۶.۱ درصد بوده، این نرخ برای همسایه غربی این کشور یعنی ایران، ۱.۶ درصد گزارش شده است. در همین مدت متوسط نرخ رشد اقتصادی جهان نیز ۳.۵ درصد ثبت گردیده است. متوسط نرخ تورم افغانستان نیز در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ کمی افزون بر ۸ درصد بوده است؛ در حالی که طی همین مدت، اقتصاد ایران به طور متوسط تورم ۲۰ درصدی را تجربه کرده است. لازم به ذکر است اقتصاد هر دو کشور نرخ

افغانستان وجود دارد که می‌توان با بهره‌برداری از آن، بخش قابل توجهی از چالش‌های موجود را به حداقل رساند (عرب‌پور، ۱۳۹۸).

ظرفیت‌ها و مزیت‌هایی نظیر نزدیکی جغرافیایی، قرابت فرهنگی و پتانسیل‌های اقتصادی و تکنولوژیک لازم در ایران، زمینه‌های مساعدی برای مشارکت در بازسازی افغانستان را فراهم ساخته و در این زمینه اقداماتی نیز صورت پذیرفته است. گسترش تعاملات و همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور از یک سو دارای منافع اقتصادی خواهد بود و از سوی دیگر، موجب افزایش همگرایی در سایر حوزه‌ها به خصوص حوزه‌های امنیتی می‌شود (حق‌شناس و یوسفی، ۱۳۹۰).

از این رو، پژوهش حاضر در تلاش است با روش تحلیلی و توصیفی، ضمن ارائه یک نمای کلی و مختصر از وضعیت اقتصادی افغانستان، نقاط اشتراک دو کشور ایران و افغانستان را مشخص سازد. سپس به بررسی سطح روابط دو کشور با تأکید بر روابط اقتصادی بپردازد و با شناسایی اهم موانع پیش‌روی توسعه روابط، راهکارهایی را در زمینه رفع آن‌ها بیان نماید.

۱. نمای کلی وضعیت اقتصادی افغانستان

اقتصاد افغانستان در مجموع از سال ۲۰۰۱ میلادی روند روبه‌رشدی را آغاز کرده است؛ به طوری که تولید ناخالص داخلی افغانستان از ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ تا ۲۰.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ صعود کرده و پس از آن هم بین ۱۹ تا ۲۰ میلیارد دلار

ایران، محور اخوانی به رهبری قطر و ترکیه، و محور سلفی به سرکردگی عربستان و امارات. آنچه در سوریه، لیبی، یمن، لبنان، عراق و دریای سرخ و مدیترانه و خلیج فارس می‌گذرد نشانه روشنی از رقابت این سه محور است که اکنون به افغانستان هم کشیده شده است. نظرات متفاوتی در خصوص این‌که مناسبات افغانستان و منطقه چه می‌شود، وجود دارد ولی یک تحلیل غالب این است که بعد از کاهش حضور نظامی آمریکا در افغانستان، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در این کشور تشدید خواهد شد. در مجموع تحلیل‌گران مسائل افغانستان بر این باورند که بدون پیشرفت قابل‌توجه در مسیر برقراری ثبات سیاسی و امنیت پایدار در افغانستان و ادامه حمایت‌های بین‌المللی، افق پیش‌روی این کشور در میان‌مدت چندان روشن و امیدوارکننده نخواهد بود (قهرمانپور، ۱۴۰۰).

۲. نقاط اشتراک ایران و افغانستان

افغانستان در دوره‌ای از تاریخ کهن خود بخشی از کشور ایران بوده است و بسیاری از مشاهیر ادبی و تاریخی ایران زاده شهرهای افغانستان امروزی هستند؛ همین موضوع عامل وجود مشترکات فرهنگی فراوانی میان دو کشور است. برگزاری جشن نوروز به‌عنوان جشن سال نو، چیدن هفت‌سین، برگزاری مراسم سنتی مشابه با چهارشنبه‌سوری، طبخ و صرف غذاهای مشابه در ایام نوروز و دیدوبازدید نوروزی از تشابهات فرهنگی میان دو کشور ایران و افغانستان است. تقویم دو کشور در دورانی که هنوز یک کشور

تورمی بالاتر از متوسط جهانی یعنی ۳.۷ درصد را تجربه کرده‌اند (یورونیوز، ۲۰۲۰).

باین‌حال، افغانستان کماکان ناامنی و عدم اطمینان سیاسی را تجربه می‌کند. در سال ۲۰۱۹ برای ششمین سال پیاپی، تلفات غیرنظامیان در افغانستان از ۱۰ هزار نفر فراتر رفت. بحران آوارگی نیز همچنان ادامه دارد. تعداد آوارگان داخلی ناشی از درگیری‌های خشونت‌بار داخلی از ۳۶۹ هزار و ۷۰۰ نفر در سال ۲۰۱۸ به ۴۶۲ هزار و ۸۰۳ نفر در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. در ضمن تعهدات مالی جامعه بین‌المللی به افغانستان در سال ۲۰۲۰ پایان یافته است و همین امر بر دامنه نااطمینانی در مورد سطح کمک‌های آینده و پایداری هزینه‌های امنیتی و توسعه‌ای دولت افزوده و ادامه رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این کشور را با ابهام‌هایی مواجه کرده است زیرا بانک جهانی تأکید دارد که این کشور همچنان به تداوم کمک‌های مالی جامعه جهانی وابسته است (همان).

در این بین، خروج غیرمنتظره و بدون برنامه‌ریزی دقیق ایالات متحده از افغانستان در اگوست ۲۰۲۱ (مرداد ۱۴۰۰) اوضاع فعلی و آینده این کشور را در ابعاد گوناگون با ابهامات و پیچیدگی‌های زیادی مواجه ساخته است. این رویداد سرآغاز سلسله تحولاتی در افغانستان و منطقه در آینده خواهد بود. در رأس این تحولات، کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه بعد از ۲۰ سال هژمونی امنیتی آمریکا در خاورمیانه قرار دارد. اتفاقی که باعث خواهد شد رقابت میان قدرت‌ها و به تعبیری محورهای منطقه تشدید شود؛ رقابت میان سه محور شیعی به رهبری

۳. اهمیت روابط اقتصادی افغانستان و ایران

برای دو طرف

کشور افغانستان با حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت، تقریباً ۳۰ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی در بین همسایگان کشور دارد. مطابق آمار مرکز تجارت جهانی، ایران نخستین مبدأ واردات افغانستان در چند سال گذشته بوده است. اهمیت این مسئله زمانی روشن تر می‌شود که افغانستان از سمت شرق با کشور چین هم‌مرز است. افغانستان بیش از ۹۰ درصد نیازهایش را از خارج و به‌خصوص از همسایگانش تأمین می‌کند. ایران یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری افغانستان و یکی از صادرکنندگان مهم برق به افغانستان محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که بخش زیادی از استان‌های غربی این کشور کاملاً وابسته به برق ایران هستند (عرب‌پور، ۱۳۹۸).

شایان ذکر است افغانستان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی محسوب می‌شود. این کشور از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم‌مرز است که مردم این مناطق قرابت فرهنگی و دینی زیادی با ایران دارند؛ این مسئله می‌تواند از نظر صادرات اهمیت بالایی داشته باشد. همچنین روابط راهبردی با افغانستان می‌تواند مرزهای ایران را عملاً تا چین برساند. کوتاهی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد ارتباط مستحکم با افغانستان، پای رقبای ایران را به این کشور باز خواهد کرد و دست ایران از سرمایه‌های انسانی و طبیعی این کشور کوتاه خواهد شد. افغانستان می‌تواند در آینده

بودند توسط ملک‌شاه سلجوقی، به تقویم خورشیدی تبدیل شد و تا به امروز دو کشور از همین تقویم استفاده می‌کنند. اشتراک زبان میان دو کشور باعث شده تا محصولات ادبی و فرهنگی مشترک و محبوب زیادی میان دو کشور رد و بدل شود.^۱ دین اسلام، اشتراک دیگر میان مردم ایران و افغانستان است. اکثریت جمعیت افغانستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و در میان مسلمانان، مذهب اکثریت سنی است. از این رو، می‌توان ادعا نمود که بین ملل مختلف در جهان، هیچ کجا به اندازه ایران و افغانستان از مبانی مشترک برخوردار نیستند (کاظمی، ۱۳۹۸).

ایران و افغانستان از دیرباز در کمال دوستی با یکدیگر زیسته‌اند و مانعی برای همزیستی و روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسالمت‌آمیز و حتی پیوندهای خانوادگی میان آنان نبوده است. گذشته این دو کشور آنچنان بهم گره خورده است که نمی‌توان حتی برای یکی از آن دو، تاریخ جداگانه‌ای تعیین کرد مگر با توجه به پاره دیگر (غوری، ۱۳۹۹). تعاملات و ارتباطات ایران و افغانستان می‌تواند مانند گذشته دوام یابد و در پرتو فرصت‌های جدید، نوع دیگری از پیوستگی‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی را پدید آورد. در ضمن هر دو کشور وارث جامعه‌ای متنوع و چندلایه هستند که مذهب در مرکز آن جای دارد، اما متشکل از اقشار مختلف، طبقات (در مورد ایران) و قبایل (در مورد افغانستان) با سطوح اجتماعی - اقتصادی گوناگون هستند (تاجبخش و فاضلی، ۱۳۹۵).

۱. اقتصاد آنلاین، (۱۳۹۹)

افغانستان به عنوان یک کشور محصور در خشکی که دسترسی به دریای آزاد برای انتقال کالا و انرژی ندارد، شناخته می‌شود. در مقابل، ایران به واسطه دسترسی به آب‌های آزاد و داشتن پتانسیل‌های فنی و موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی می‌تواند این نیاز افغانستان را با داشتن زیرساخت‌ها و راه‌های مناسبی که دارد، جبران نماید به گونه‌ای که این دو کشور مکمل ژئوپلیتیکی یکدیگر باشند (میرحیدر و همکاران، ۱۳۸۴). بدین منظور ایران در تلاش است تا با ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مناسب در شرق کشور، تکمیل راه‌آهن در حال احداث و تجهیز بندر چابهار، به دلیل موقعیت راهبردی که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی منطقه آسیای مرکزی (ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) و نیز کشور افغانستان به آب‌های آزاد است، روابط اقتصادی خود را با افغانستان و به تبع آن آسیای مرکزی، تقویت نماید (لطفی، ۱۳۹۴).

تولید ناخالص داخلی افغانستان از ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ صعود کرده و پس از آن هم بین ۱۹ تا ۲۰ میلیارد دلار نوسان داشته است.

نزدیک وضعیت اقتصادی آسیای مرکزی و جنوبی را تغییر دهد. منابع این کشور برای احیای دوباره وضعیت اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی منطقه مهم به حساب می‌آیند. نقشه حمل‌ونقل آسیای مرکزی در صورت ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان به صورت بنیادی تغییر می‌کند و این موضوع به ساخت جاده‌ها و راه‌آهن وابسته است که آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی متصل می‌کند و بر اساس آن ارتباط بین چین با تاجیکستان، افغانستان و ایران برقرار خواهد شد که تکمیل آن، نقشی کلیدی در حمل‌ونقل منطقه‌ای و تقویت روابط تجاری خواهد داشت (همان).

در این راستا، ایران از سال ۲۰۰۲ متعهد شده تا بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در بخش‌های راه‌سازی، زیرساخت‌های انرژی و ساخت مدرسه در افغانستان سرمایه‌گذاری کند و بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ هر سال ۵۰ میلیون دلار هزینه کرده است. در ضمن ایران در حال برنامه‌ریزی برای افزایش صادرات غیرنفتی به افغانستان و همچنین ارتقای نقشی است که بازارچه‌های مرزی^۱ ایفا می‌کنند، مانند آنچه که در استان خراسان رضوی در شمال شرقی ایران وجود دارد. علاوه بر این، ایران امیدوار است که افغانستان را در طرح‌هایش برای انتقال سالانه ۸۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به کشورهای آسیایی تا سال ۲۰۲۵ مشارکت دهد (تاجبخش و فاضلی، ۱۳۹۵).

۱. از مزایای ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌توان به‌طور اجمالی به موارد زیر اشاره نمود (معصومی و همکاران، ۱۳۹۲):
 - ایجاد اشتغال و افزایش تولید در مناطق مرزی
 - کمک به افزایش گردش نقدینگی
 - افزایش جریان دادوستد تجاری

- تأمین امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
- افزایش سرمایه‌گذاری محلی و خارجی
- ممانعت از شیوع پدیده قاچاق کالا در مرزها
- ارتقای روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای همسایه
- جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان



۴. روابط اقتصادی ایران و افغانستان در یک

دههٔ اخیر

محصولاتی نظیر پوست و چرم، پوشاک، تابلوفرش و صنایع دستی، تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی، حمل و نقل، خدمات فنی، مهندسی و مخابراتی، دکوراسیون، مبلمان و مصنوعات چوبی، زیورآلات و نقره‌جات، صنایع غذایی، فرش دستباف و ماشینی، لوازم خانگی، ماشین‌آلات و مصالح ساختمانی، محصولات آرایشی و بهداشتی، مصنوعات پلاستیکی، موکت و کف‌پوش و الیاف و منسوجات، از جمله ظرفیت‌های اصناف کشور برای حضور در بازار افغانستان بوده‌اند، اما استفاده صحیح از این ظرفیت‌ها منوط به گسترش روابط بانکی با افغانستان است. در حال حاضر اعمال تحریم‌های بین‌المللی در کنار اتخاذ محدودیت‌های بانکی برای حدود سه میلیون پناهنده و مهاجر افغانستانی^۱ در ایران (حتی برای اتباع قانونی)، هم سبب نارضایتی افغانی‌ها شده و هم به اقتصاد و نظام بانکداری کشور آسیب زده است. این مشکلات فروش کالاهای فرهنگی ایرانی (مانند: کتاب، فیلم و سریال‌های ایرانی، آلبوم‌های موسیقی و نرم‌افزارهای اندرویدی) را نیز که توسط شهروندان افغانستانی دنبال شده و خواستار دارد، با چالش مواجه ساخته است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۴۰۰).

علاوه بر این، اختلافات جدی طرفین بر سر موضوعات آبی، سهم بسزایی در کدورت سیاسی و

دوری دو کشور از یکدیگر ایفا نموده است؛ به طوری که اشرف غنی (رئیس‌جمهور وقت افغانستان) با اشاره به عزم دولتش بر سرمایه‌گذاری در مهار آب‌های این کشور عنوان نمود: «هر قطره آب افغانستان نسبت به تیل (نفت) همسایه‌ها قیمتی‌تر خواهد بود»، این در حالی است که بیشتر روحانی (رئیس‌جمهور وقت ایران)، ضمن ابراز نگرانی نسبت به احداث سد‌ها و بندهای متعدد در افغانستان، مطرح کرد: «این اقدامات در استان خراسان و سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است و نمی‌توانیم در برابر آنچه محیط‌زیست ما را تخریب می‌کند، بی‌تفاوت باشیم»^۲. بنابراین می‌توان از مشکلات روابط بانکی، وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران و واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی در کنار عدم ثبات سیاسی در افغانستان، به‌عنوان عوامل مهم عدم رشد مبادلات اقتصادی بین دو کشور در سال‌های اخیر نام برد.

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود روابط تجاری دو کشور در دههٔ اخیر بسیار نامتوازن است؛ به این صورت که میانگین صادرات ایران به افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ حدود ۲۵۳۶ میلیون دلار بوده درحالی‌که در بازه زمانی مذکور، صادرات افغانستان به ایران حدود ۱۶ میلیون دلار بوده است. از این رو ایران در مراوده تجاری با افغانستان همواره از تراز تجاری مثبت برخوردار بوده است.

۲. خبرگزاری خبر آنلاین، (۱۳۹۹)، «مناقشه آبی ایران و افغانستان

به کجا رسید؟»، کد خبر: ۱۴۹۱۱۶۳.

۱. بنا بر تخمین‌های موجود، در حال حاضر، حدود یک میلیون مهاجر قانونی و دو میلیون پناهنده غیرقانونی افغانی در ایران زندگی می‌کنند.



جدول ۱: مبادلات تجاری ایران با افغانستان در یک دهه اخیر (میلیون دلار)

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
صادرات	۲۱۷۸	۲۸۷۳	۲۴۱۶	۲۴۹۰	۲۵۷۲	۲۴۵۶	۲۷۷۰	۲۹۳۸	۲۳۶۱	۲۳۰۵
واردات	۱۰	۲۰۴	۳۲	۱۳	۱۴	۲۲	۲۰	۲۱	۱۹	۴
تراز تجاری	۲۱۶۸	۲۸۷۰۰۶	۲۳۸۴	۲۴۷۷	۲۵۵۸	۲۴۳۴	۲۷۵۰	۲۹۱۷	۲۳۴۲	۲۳۰۱

منبع: گمرک و سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۴۰۰)

نمودار (۱) بیان‌کننده همپوشانی روند صادرات و تراز تجاری ایران در ارتباط بازرگانی با افغانستان است؛ به عبارت دیگر واردات ایران از افغانستان تأثیر چندانی در روند تجاری کشور نداشته است. علاوه بر این، رصد روند صادرات و تراز تجاری بین دو کشور در دهه اخیر نشان می‌دهد که شدت گرفتن اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ سبب افت چشمگیر صادرات ایران به افغانستان شده است. درحالی‌که تصویب برجام و رفع محدودیت‌های مالی و اقتصادی کشور در اواسط دهه ۹۰ شمسی، باعث رشد صادرات ایران به این کشور همسایه گردیده است.

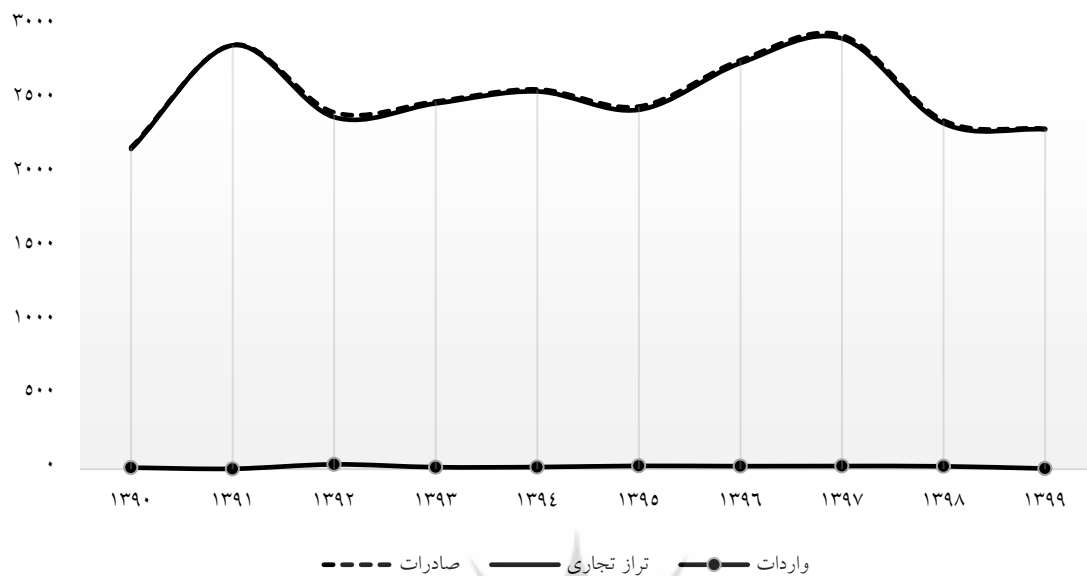


خروج غیرمنتظره و بدون برنامه‌ریزی دقیق ایالات متحده از افغانستان در اگوست ۲۰۲۱ (مرداد ۱۴۰۰) اوضاع فعلی و آینده این کشور را در ابعاد گوناگون با ابهامات و پیچیدگی‌های زیادی مواجه ساخته است.



بنا بر گزارش وزارت صنعت و تجارت افغانستان از وضعیت تجاری این کشور طی سال مالی ۱۳۹۹، صادرات و واردات این کشور تحت تأثیر ویروس کرونا، در مقایسه با سال ۱۳۹۸، به ترتیب حدود ۱۰ و ۴ درصد کاهش داشته است. در این سال، عمده صادرات افغانستان به کشورهای هندوستان، پاکستان و چین بوده است و جمهوری اسلامی ایران کمتر از یک درصد از کل صادرات افغانستان را دریافت کرده است. این امر در حالی است که ایران در صدر فهرست صادرکنندگان به افغانستان قرار دارد و عمده واردات افغانستان از کشورهای ایران، چین و پاکستان بوده است. کنگد، تخم تربوز، کشمش، تخم سبزیجات و سایر تخمیانیه باب به ترتیب ۵ قلم عمده در صادرات افغانستان به ایران و روغن صنعتی رفرنس، ال‌پی‌جی، میلگرد آجدار، هیدروکربن سبک حاصل از بلندینگ کد دانسیته با تقطیر کامل تا ۳۹۰ درجه، روغن سفید (ویت اویل)، تیرآهن و رب گوجه فرنگی اقلام عمده واردات این کشور از ایران را شکل می‌دهد (وزارت تجارت و صنعت افغانستان، ۱۴۰۰).

نمودار ۱: مبادلات تجاری ایران با افغانستان در یک دهه اخیر (میلیون دلار)



منبع: گمرک و سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۴۰۰)

علاوه بر این، برنامه‌ریزی برای ساخت بندر چابهار در قالب توافقنامه چابهار^۱، نقطه عطف مهمی در روابط اقتصادی سه کشور ایران، افغانستان و هند بود؛ افغانستان به واسطه تنوع بخشیدن به فهرست شرکای خود فراتر از آسیای مرکزی و جنوبی از طریق بندری که به‌طور بالقوه حجم تجارت آن بالغ بر میلیاردها دلار است، از این توافقنامه منتفع می‌شود، ایران بازار بین‌المللی برای بخش انرژی خود را توسعه می‌داد و هند می‌توانست امنیت انرژی خود را ارتقا داده و به آسیای مرکزی با دورزدن پاکستان دسترسی پیدا کند (تاجبخش و فاضلی، ۱۳۹۵)، اما هند بعد از گذشت ۴ سال از امضای این توافقنامه راهبردی و در بهمن ۱۳۹۹، بخش اول تجهیزات در

در سال‌های اخیر، احداث مسیر ریلی خواف - هرات که با احیای جاده ابریشم، حرکت به سمت اقتصاد برد - برد و پیوند بیشتر ایران و افغانستان همراه است، در دستور کار دولت‌های دو کشور و مخصوصاً جمهوری اسلامی قرار گرفت. در این راستا، خبر افتتاح راه‌آهن خواف - هرات توسط دو رئیس‌جمهور ایران و افغانستان در ۲۰ آذرماه ۱۳۹۹ انتشار یافت که گامی بزرگ در راه توسعه ارتباطات درون منطقه‌ای و متضمن منافع هر یک از طرفین است. سنگ معدن و باطله‌های قابل برداشت از معادن سنگ‌آهن سنگان، به‌عنوان اولین بار حمل شده توسط راه‌آهن خواف - هرات گزارش شد (آخوندی، ۱۳۹۹).

۱. سرمایه‌گذاری کند. هند، ایران و افغانستان در ماه مه سال ۲۰۱۶ میلادی، توافقنامه سه‌جانبه مشهور به توافقنامه چابهار را نهایی کردند.

۱. دهلی نو و تهران در ماه آوریل سال ۲۰۱۵ میلادی یادداشت تفاهمی امضا کردند و هند متعهد شد که ۸۵ میلیون دلار برای ساخت پایانه‌های کانتینری و چندمنظوره در چابهار

در مکران و تیس از محورهای مهم برنامه راهبردی مذکور است که می‌تواند برای افغانستان نیز بسیار مثر باشد (کردی، ۱۴۰۰).

شایان‌ذکر است، مجموعه امداد هند به افغانستان به شکل کمک، اکثراً در زیرساخت‌ها بوده است. هند چندین پروژه مثل ساخت بزرگراه راهبردی زرنج - دلارام را به‌عهده گرفته است که افغانستان را به بندر چابهار ایران وصل می‌کند. همچنین هند خط انتقال ۲۰۰ کیلومتری در افغانستان از پل خمی به کابل کشیده است. هند تا سال ۲۰۲۰ میلادی حداقل ۲ میلیارد دلار به شکل کمک به افغانستان تخصیص داده است که پنجمین اهداکننده به افغانستان به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر چین نیز پروژه جاده ابریشم جدید را در دستور کار دارد که از مسیرهای زمینی و دریایی تشکیل شده است؛ این پروژه برای وصل کردن چین از زمین به غرب، از آسیای مرکزی از جمله افغانستان می‌گذرد. افغانستان با این جاده نقش تاریخی خود به‌عنوان پلی زمینی بین آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، خاورمیانه و اوراسیا را دوباره به‌دست می‌آورد. هرچند تردیدهای زیادی درباره امکان‌پذیری این طرح وجود دارد. از این‌رو چین و هند باید با هم و با دولت جدید افغانستان کار کنند تا از امنیت داخلی این کشور پشتیبانی نمایند. چین و هند در حال حاضر به‌طور فعال در بخش مواد معدنی افغانستان سرمایه‌گذاری می‌کنند. این دو کشور که عضو سازمان همکاری‌های شانگهای هم هستند، منافع امنیتی مشترکی در افغانستان بعد از خروج نیروهای آمریکا و ناتو دارند که امکان همکاری را در این کشور جنگ‌زده فراهم می‌کند (مصعب، ۲۰۲۰).

تعهدش را به چابهار وارد کرد. کارشناسان امر معتقدند هند به‌دلیل مشارکت راهبردی با آمریکا، برای نقش‌آفرینی همه‌جانبه در پروژه چابهار ملاحظه دارد و برای عملیاتی ساختن این پروژه جدیت لازم را ندارد. به عبارت دیگر، هند با انجام دست‌وپا شکسته تعهدات خود تلاش دارد تا هم از توافقنامه کنار گذاشته نشود و با استفاده از این بندر تهدیدات ناشی از همکاری‌های ترانزیتی چین و پاکستان، به‌عنوان دو رقیب سنتی خود را خنثی نماید و هم با معطل کردن ایران در توسعه چابهار، در جهت اثرگذاری تحریم‌های آمریکا بر ایران عمل نماید (مونسان، ۱۳۹۹؛ رعیت‌نواز، ۱۴۰۰).

باین‌حال، ایران برنامه‌ریزی زیادی برای توسعه خط ساحلی جنوب شرقی خود به‌منظور بهبود دسترسی به اقیانوس هند به‌واسطه پروژه‌ای به‌نام مکران از طریق ششمین برنامه توسعه پنج‌ساله انجام داده است. سرمایه‌گذاری‌های ایران در این خط ساحلی، فرصتی برای توسعه اقتصادی افغانستان فراهم می‌کند و توانسته توجه چین را نیز جلب نماید. از این‌رو، چابهار به‌عنوان دروازه ورود به ایران، فعال‌ترین منطقه سواحل مکران و عامل توسعه محور شرق، از مؤلفه‌های اصلی و مهم مورد توجه دو کشور در «برنامه همکاری جامع فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» است. در بندهایی از این سند به‌طور مستقیم به چابهار و سواحل مکران اشاره شده است؛ گو این‌که چابهار محل تلاقی دو اقتصاد ایران و چین است. سرمایه‌گذاری بلندمدت در شهرک پتروشیمی چابهار، تکمیل و توسعه راه‌آهن در این منطقه و ساخت شهر هوشمند

هدف نهایی آن، ایجاد اختلال در امنیت داخلی کشور است (کریمی پور، ۱۳۸۹).

۲-۵. حضور رقبای ایران در افغانستان

علائق و خواسته‌های ایران در حوزه شرقی مبتنی بر ملاحظات امنیتی و برقراری ثبات و در مرحله بعد بسط و توسعه همکاری‌های اقتصادی است، اما بررسی عملکردهای آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن در افغانستان نشان می‌دهد که راهبرد «مهار و محاصره» ایران از سوی آن‌ها پیگیری می‌شود و این مهم‌ترین تهدید موجود در حوزه شرقی است. بنابراین آمریکایی‌ها و متحدانش در منطقه همواره تلاش می‌کنند تا در افغانستان دولتی مخالف ایران بر سرکار آید، دولتی که ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران را مدنظر قرار ندهد (لطفی، ۱۳۹۴).

بررسی عملکردهای آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن در افغانستان نشان می‌دهد که راهبرد «مهار و محاصره» ایران از سوی آن‌ها پیگیری می‌شود و این مهم‌ترین تهدید موجود در حوزه شرقی است. بنابراین آمریکایی‌ها و متحدانش در منطقه همواره تلاش می‌کنند تا در افغانستان دولتی مخالف ایران بر سرکار آید، دولتی که ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران را مدنظر قرار ندهد.

سرزمین چند کشور است، درحالی‌که معبر ایران بدون واسطه دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود. کوتاهی مسیر و فضاهای تقریباً خالی شرق فلات (کویر پهناور لوت و کویر نمک) عامل مهمی در انتقال مواد مخدر از افغانستان به ایران و انتقال به اروپا است.

۵. اهم موانع پیش‌روی توسعه روابط ایران و افغانستان

موضوعات هویتی اعم از قومی و مذهبی و ناسیونالیستی، فقدان استراتژی سیاسی و اقتصادی ناشی از نهادهای ناکارآمد، معضل مواد مخدر و مداخلات کشورهای خارجی (روسیه و آمریکا و بعضی از قدرت‌های منطقه‌ای)، از جمله عوامل منفی تأثیرگذار بر تحولات افغانستان هستند که می‌توانند مخل روابط این کشور با همسایگان و به‌خصوص ایران شوند (بخشی، ۱۳۹۲). در ادامه مهم‌ترین چالش‌های موجود بر سر راه تقویت روابط دوجانبه ایران و افغانستان در قالب چند مؤلفه مهم، دسته‌بندی و به اختصار بیان می‌شود.

۱-۵. تهدید پدیده قاچاق برای جمهوری اسلامی ایران

همسایگی ایران با افغانستان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک در جهان و قرارگرفتن در مسیر بازار مصرف این مواد (اروپا و آمریکای شمالی)، عامل مهمی در تضعیف امنیت مرزهای کشور به‌طور عام و امنیت مرزهای شرقی به‌طور خاص است^۱. پدیده قاچاق مواد مخدر همواره در شمار موارد اصلی و فعال تنش بین دو کشور بوده است. از منظر دولت ایران، مکانیزم ورود، توزیع و حمل‌ونقل مواد مخدر، بخشی از اقدامات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر علیه ایران و

۱. انتقال مواد مخدر تولیدی در افغانستان به بازارهای اروپا از مسیر سرزمینی ایران دربردارنده چند امتیاز کمتر قابل جایگزین برای افغانی‌ها است؛ این معبر نسبت به معبرهای کشورهای شمالی و جنوبی تک‌جداره است. درواقع انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضاهای

آدم‌ربایی و غیره، هراس و وحشت را در بین مردم ایجاد و امنیت داخلی را شکننده می‌سازد. زاغه‌نشینی در اطراف شهرهای بزرگ و تکدی‌گری از پیامدهای حضور مهاجرین افغانی در فضای جغرافیایی ایران بوده است (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۰).

۵-۵. افراط‌گرایی دینی و عدم ثبات سیاسی در افغانستان

دو عامل قومیت‌گرایی و فرقه‌گرایی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت ملی در عرصه محیط داخلی کشور هستند که باعث تضعیف حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی ایران می‌شوند و در کوتاه‌مدت سایر حوزه‌های امنیت ملی را با چالش مواجه می‌سازند. قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تضعیف دولت و حاکمیت ایران، تنش‌سازی فرقه‌ای و بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای را به‌عنوان راهکارهای مؤثر دنبال می‌کنند. به‌ویژه این مسئله وقتی جدی می‌شود که پیوندهایی در دو سوی مرز از جمله پیوندهای قومی وجود داشته باشد^۳. جنبش‌های جدایی‌طلبانه و مسلحانه قومی، حملات چریکی و سبک و روش

اقتصادی افغانستان و کاهش فقر از طریق توسعه کشاورزی و افزایش استفاده از آب رودخانه، سبب گردیده رودخانه هیرمند و مسائل مرتبط با آن در افغانستان جنبه ملی پیدا کرده و از پشتوانه مردمی بیشتری برخوردار باشد درحالی‌که سیستم کوچکی از سرزمین پهناور ایران را شامل می‌شود و موضوع آب هیرمند و جریان آن به سوی سیستان جنبه محلی یافته که موجب انعطاف دولت ایران در برابر افغانستان در این مورد در سالیان گذشته شده است.

۳. به‌عنوان مثال می‌توان به پیوندهای قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها در افغانستان و بلوچ‌ها در ایران اشاره نمود.

۳-۵. هیدروپلیتیک^۱

در فضای سرزمینی مابین ایران و افغانستان رودخانه هیرمند جریان دارد که اختلاف بر سر استفاده از آب آن در دهه‌های گذشته، سبب بروز چالش‌هایی در روابط این دو کشور گردیده و با کاهش بارندگی‌ها در منطقه، بر شدت اختلافات افزوده شده است. در سالیان اخیر افغانستان با استفاده بیشتر از آب هیرمند در سرزمین خود، آب جاری به سمت سیستان ایران را کاهش داده که این مسئله موجب کاهش وسعت زمین‌های کشاورزی این استان و کوچک‌تر شدن دریاچه هامون گردیده است^۲ (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

۴-۵. مهاجران غیرقانونی افغان

هجوم مهاجران غیرقانونی افغانی جدای از آن‌که ثبات داخلی کشور را تهدید می‌کند، موجی از تنش‌های داخلی را به‌وجود می‌آورد که موجب می‌شود یک هزینه اضافی بر برنامه‌های اقتصادی دولت، برای جواب‌گویی به حداقل نیازهای معیشتی این مهاجران تحمیل شود. همچنین روی آوردن گروه‌هایی از این مهاجرین به کارهای خلاف قانون مانند قاچاق مواد مخدر، سرقت،

۱. هیدروپلیتیک، دانشی است که به مطالعه نقش آب در سیاست‌گذاری و روابط بین کشورها می‌پردازد. از آنجایی که جهان به سمت کم‌آبی پیش می‌رود؛ این عامل در کنار افزایش جمعیت، آب را به یک منبع استراتژیک تبدیل کرده است که کمبود آن به عنصر تعارضات سیاسی در بسیاری از نقاط جهان منجر شده است (رکابیان و جلیلیان، ۱۳۹۶).

۲. ذکر این نکته مهم است که استفاده بیشتر افغانستان از منابع آب رود هیرمند و وابستگی زیاد ولایت‌های جنوبی و جنوب‌غربی افغانستان به آب هیرمند، به‌همراه نقش رود هیرمند در بهبود شرایط

جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد

در یک نگاه کلی می‌توان چنین ارزیابی کرد که کشور ایران و افغانستان دارای مزیت‌های نسبی بالقوه سرزمینی و انسانی به‌منظور افزایش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی هستند، اما عدم مدیریت درست این مزیت‌ها و امتیازات و همچنین عدم ثبات سیاسی افغانستان به‌خاطر حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشور به‌دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی آن و در نتیجه بروز تهدیداتی مانند تروریسم و افراط‌گرایی دینی، قاچاق و تهدید امنیت ملی ایران از داخل کشور افغانستان، مسائل آب و تشدید اختلافات هیدروپلیتیکی و نیز مشکل آوارگان افغانی و عدم مدیریت درست آن از سوی دو کشور، مانع از ایجاد یک رابطه پایدار، پویا و مبتنی بر حُسن‌همجواری بر محور واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در جهت تقویت روزافزون روابط در ابعاد گوناگون شده است.

از این‌رو دولت‌های دو کشور نیاز به یک دیپلماسی پویا در حوزه‌های گوناگون (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی) دارند و هر دو باید این واقعیت را درک کنند که امنیت و توسعه کشورهای همسایه یکی از تضمین‌های اصلی توسعه و امنیت در فضای ملی خودشان است. تأکید بر مناطق راهبردی ایران برای برون‌رفت افغانستان از قفل‌شدگی سرزمینی و نیز استفاده از فضای افغانستان برای تجارت ایران با چین و شرق آسیا و آسیای مرکزی و نیز توجه به بازار مصرف و سرمایه‌گذاری در افغانستان از طریق در پیش گرفتن یک دیپلماسی

جنگ‌های جهادی از جمله تهدیدهای جدی علیه امنیت استان‌های مجاور مرزهای شرقی ایران به‌شمار می‌رود (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۶).

۵-۶. حضور کمرنگ رایزن‌ها و بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی کشور

عموماً در هیئت‌های اعزامی کشور به افغانستان، رایزن‌ها و فعالان بخش خصوصی نقش شایان‌ذکری ندارند که این امر سبب ناآشنایی فعالان اقتصادی دو کشور از یکدیگر و در نتیجه اختلال در توسعه مراودات بازرگانی شده است. در مقوله بازاریابی و برپایی نمایشگاه‌های اختصاصی ایران در افغانستان و نیز حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی دایر در این کشور، نهاد دیپلماسی کشور حمایت کافی را از بخش خصوصی به‌عمل نیاورده است. در ضمن ایران در حوزه تبلیغات، بازاریابی کلان و ترویج برندسازی و شناساندن برندهای داخلی به مردم افغانستان، به‌منظور توسعه کالاها و خدمات صادراتی در سه سطح محصول، بنگاه و ملی اقدامات لازم و کافی را انجام نداده است.

ایران در حوزه تبلیغات، بازاریابی کلان و ترویج برندسازی و شناساندن برندهای داخلی به مردم افغانستان، به‌منظور توسعه کالاها و خدمات صادراتی در سه سطح محصول، بنگاه و ملی اقدامات لازم و کافی را انجام نداده است.

غربی افغانستان توسط طالبان، فعالیت‌های مرزی بین دو کشور بلافاصله از سر گرفته شد و در حال حاضر نیز ادامه دارد. در نهایت، به‌منظور کاهش چالش‌های بر سر راه تعاملات بیشتر دو کشور و تبدیل آن‌ها به فرصت، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

➤ **انتخا ذ رو ی ک رد محتاطانه نسبت به طالبان در مراودات آتی:** در خصوص تداوم و سطح روابط اقتصادی و سیاسی و همچنین ادامه همکاری‌ها از جمله در زمینه انرژی، ابتدا باید سنجید که افغانستان از این پس تا چه اندازه به تعهدات خود پایبند است؛ چه در بخش اجرای تعهد و چه در زمینه بازپرداخت بدهی‌ها. بنابراین رفتار محتاطانه نسبت به تحولات اخیر افغانستان و گرفتن تضامین پیش از فعالیت در صورت مشروعیت سیاسی طالبان، به دست‌اندرکاران کشور و بخش خصوصی فعال در این کشور توصیه می‌شود.

➤ **رفع تهدیدات امنیتی ریشه‌دار با به‌کارگیری رویکرد امنیت مشارکتی:** این راهکار در راستای تقلیل و رفع چالش‌ها و معضلات امنیتی مانند قاچاق مواد مخدر، افراط‌گرایی دینی و ترویج تروریسم می‌تواند کارگشا باشد. عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، محدود ساختن نفوذ و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظام تصمیم‌گیری، تلاش در جهت اعتمادسازی متقابل، افزایش دیدارها و ارتباطات میان نخبگان و فعالان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین تأسیس انجمن‌های دوستی میان این دو کشور در رفع تهدیدات امنیتی حیاتی است.

واقع‌گرایانه و هوشمند، شرط بهره‌مندی دو کشور از تمامی مزیت‌های ژئوپلیتیکی است.

بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران پس از خروج از برجام، بر نقش‌آفرینی همسایگان به‌ویژه افغانستان در تعدیل شرایط سخت تحریم برای کشور افزوده است. هم‌مرز بودن افغانستان با ایران و وضعیت نامناسب اقتصادی این کشور باعث شده است که در صورت پیدایش ثبات سیاسی در این کشور، ظرفیت‌های زیادی در اختیار کشور در شرایط تحریم قرار گیرد. اقتصاد سنتی و نقدی افغانستان، کنترل قاچاق ارز را سخت نموده و این مسئله رصد معاملات ارزی افغانستان با جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده را با دشواری مواجه ساخته است.

لیکن قدرت‌گیری مجدد طالبان، چشم‌انداز روابط افغانستان و ایران را در ابعاد مختلف تا حدودی مبهم و پیچیده کرده است. ایران از بازگشت جنگ داخلی به افغانستان نگران است زیرا بی‌ثباتی را در نزدیکی کشور در پی دارد و می‌تواند منافع ایران را از طریق موج‌های بیشتری از پناهندگان افغان که پیش‌بینی می‌شود به‌سوی کشور روانه شوند و یا با برانگیختن ستیزه‌جویی نیروهای افراطی در منطقه که بی‌ثباتی را تقویت می‌کند، به خطر اندازد، اما از آنجا که هر حکومت و حکمرانی حتی طالبان برای اداره کشور خود نیاز به تجارت با کشورهای دیگر به‌خصوص همسایه‌ها دارد، ایران کماکان شریکی استراتژیک برای طالبان محسوب می‌شود که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کند. از این‌رو، با تصرف مناطق و مرزهای

- **بهره‌گیری از فعالان بخش خصوصی در پیشبرد مراودات بین‌المللی:** در سفرهای مقامات بلندپایه کشور به افغانستان، علاوه بر حضور فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان در ترکیب هیئت‌های اعزامی، مقوله تجارت در مذاکرات مورد توجه و حمایت جدی دولت مردان قرار گیرد و از ظرفیت اتاق‌ها، تشکل‌های صادراتی و شوراهای مشترک بازرگانی استفاده بهینه به عمل آید.
- **توجه ویژه به صادرات خدمات مهندسی، فنی و IT:** با توجه به ضعف کشور افغانستان در این مقوله و نیاز روزافزون آن به این حیطه‌ها، می‌توان با ارائه مشوق‌های صادراتی مؤثر به صادرکنندگان کالاها و خدمات فنی و مهندسی و IT، به توسعه صادرات در این بخش کمک شایانی نمود. این قبیل صادرات با توجه به ارزآوری، اشتغال‌زایی و ارزش‌افزوده بالا در خروج کشور از رکود، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و تحریک بازارهای هدف منطقه، بسیار کارساز است.
- **صدور روادید فصلی برای بهره‌گیری هدفمند از مهاجران افغانی و اعمال مرزهای نرم:** منظور از مرزهای نرم، مرزهایی است که با غلبه مراودات تجاری - اقتصادی بر سایر مؤلفه‌ها، نوعی وابستگی متقابل در دو سوی مرزها ایجاد شود. ترویج گمرکات و بازارچه‌های مرزی مانند دوغارون، میلک و ماهیروود و اجازه صدور روادید فصلی برای ورود نیروی کار افغانی به کشور در فصول کاری مورد نیاز داخل، عواملی کارگشا در این زمینه محسوب می‌شود؛ زیرا اقتصاد و رفاه باعث تفر و بیزاری از جنگ و دوری از بزهکاری و خشونت می‌شود.
- **تأکید بر طراحی و اجرای پروژه‌های استراتژیک توسط ایران در افغانستان:** پروژه‌هایی مانند کشت جایگزین به منظور مقابله با تولید مواد مخدر در افغانستان (خرید تضمینی محصولات کشاورزی مورد نیاز کشور مانند گندم و چغندر قند کشت شده در افغانستان و فروش محصولات کارخانه‌ای به این کشور)، ترانزیت کالاها و خدمات به افغانستان در مقابل دریافت آب، صادرات برق به افغانستان به عنوان جایگزین احداث سد و پروژه‌های برق‌آبی، صدور طرح‌ها و فناوری آبیاری مکانیزه به افغانستان و مبادله فرآورده‌های نفتی با آب یا محصولات آب‌بر می‌تواند برای هر دو کشور مثمر‌تر باشد.

بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران پس از خروج از برجام، بر نقش‌آفرینی همسایگان به‌ویژه افغانستان در تعدیل شرایط سخت تحریم برای کشور افزوده است.

بی‌ثباتی در سیاست‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها جهت اجرا، مانع از عملیاتی‌شدن کشت جایگزین می‌شود.

۱. البته اتخاذ قوانین گمرکی متناسب و ثبات سیاست‌گذاری در اجرایی ساختن این راهکار بسیار اهمیت دارد زیرا دو عامل



منابع

- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران (۱۴۰۰)، «بکارگیری مهاجران افغانی راهی برای رفع نیاز نیروی کار ساده صنایع کشور»، گزارش نشست کمیسیون بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید.
- آخوندی، عباس (۱۳۹۹)، «راه آهن خواف - هرات و ایده ایران»، مجله دیپلماسی ایرانی، کد: ۱۹۹۸۰۰۲.
- بخشی، احمد (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه تحولات افغانستان با امنیت جمهوری اسلامی ایران»، همایش ملی خراسان جنوبی، نظم و امنیت، دانشگاه بیرجند.
- پیشگاه هادیان، حمید (۱۳۸۶)، «امنیت مرزهای شرقی ایران»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات راهبردی.
- تاجبخش، شهربانو و فاضلی، محمد (۱۳۹۵)، «ایران و روابط با افغانستان پس از توافق هسته‌ای، دوره‌ای جدید برای تعامل سازنده؟»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، پاییز.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، مجتهدزاده، پیروز و علی‌زاده، جعفر (۱۳۹۵)، «هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان.
- حق‌شناس، محمدجواد و یوسفی، عمران (۱۳۹۰)، «فرصت‌ها و تهدیدهای روند ملت‌سازی در افغانستان برای ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل.
- خبرگزاری اقتصاد آنلاین (۱۳۹۹)، «ایران و افغانستان چه اشتراکاتی با یکدیگر دارند؟»، کد خبر: ۴۵۳۵۲۴.
- خبرگزاری خبر آنلاین (۱۳۹۹)، «مناقشه آبی ایران و افغانستان به کجا رسید؟»، کد خبر: ۱۴۹۱۱۶۳.
- خبرگزاری یورونیوز فارسی (۲۰۲۰)، «اقتصاد افغانستان در ۲ دهه گذشته؛ رشدی بالاتر و توری پایین‌تر از ایران و پاکستان».
- رعیت‌نواز، ناصر (۱۴۰۰)، «چابهار در برزخ»، روزنامه خراسان، ۲۶ اردیبهشت.
- رکابیان، رشید و جلیلیان، جلیل (۱۳۹۶)، «هیدروپلیتیک و پدافند غیرعامل»، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز.
- عرب‌پور، امیرحسین (۱۳۹۸)، «نگاهی به فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- غوری، نظرمحمد (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان»، ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران.
- قهرمانپور، سجاد (۱۴۰۰)، «همه به دنبال سهم‌خواهی از افغانستان»، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۸)، «اشتراکات هیچ دو ملتی اندازه ایران و افغانستان نیست»، خبرگزاری تسنیم.

هر حکومت و حکمرانی حتی طالبان برای اداره کشور خود نیاز به تجارت با کشورهای دیگر به خصوص همسایه‌ها دارد، ایران کماکان شریکی استراتژیک برای طالبان محسوب می‌شود که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کند.

- کردی، عبدالکریم (۱۴۰۰)، «تلاقی منافع مشترک ایران و چین در چابهار»، خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۰۱۱۳۰۴۸۳۴.

- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۹)، «ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)»، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

- لطفی، حیدر (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط افغانستان و ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، خراسان بزرگ: سال ششم، شماره ۹۱، تابستان.

- مصعب، سید نجیب‌الله (۲۰۲۰)، «هند و چین؛ دستور کاری برای همکاری در افغانستان»، روزنامه صبح کابل.

- معصومی، مجید؛ اژدری، بهزاد و ملکوتی، محمدجواد (۱۳۹۲)، «نقش ژئوپلیتیکی رودخانه و ژئواکونومی بازارچه مرزی در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی ایران و افغانستان»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال اول، شماره سوم، پاییز.

- مونسان، محمد (۱۳۹۹)، «مروری بر سابقه حضور هندی‌ها در پروژه چابهار، مهاراجه‌ها چقدر برای توسعه تنها بندر اقیانوسی ایران جدی هستند؟»، خبرگزاری تسنیم.

- میرحیدر، دُرّه؛ راستی، عمران و میراحمدی، فاطمه سادات (۱۳۸۴)، «مبانی جغرافیای سیاسی»، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

- وزارت صنعت و تجارت جمهوری اسلامی افغانستان (۱۴۰۰)، «گزارش تجارت افغانستان طی سال ۱۳۹۹».